

## Mahnaaz's Website



دکتر شاپور بختیار (زاده ۱۹۱۴ یا ۱۹۱۵ - درگذشته ۱۹۹۱) سیاستمدار ایرانی و آخرین نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران، بود.



### کودکی و جوانی

شاپور در ۱۹۱۴ یا ۱۹۱۵ در جنوب غربی ایران و از پدری به نام محمدرضا (معروف به سردار فاتح) و مادری به نام ناز بیگم به دنیا آمد. خانواده او از طوایف ایل بختیاری بودند. پدر بزرگ مادری بختیار، نجف قلی صمصام‌السلطنه، دو بار در ۱۹۱۲ و ۱۹۱۸ به نخست‌وزیری رسیده بود. مادر بختیار در هفت سالگی او فوت کرد.

## تحصیلات

دکتر شاپور بختیار تحصیلات دوره ابتدایی را در شهرکرد گذراند و تحصیلات متوسطه را ابتدا در اصفهان و سپس در بیروت پایتخت لبنان به پایان رساند. او مدرک دبیرستان خود را در بیروت و از مدرسه فرانسوی بیروت دریافت کرد.

وی در ۱۹۳۶ به فرانسه رفت و در ۱۹۳۹ دکترای خود را در زمینه علوم سیاسی از دانشگاه سوربن دریافت کرد. او در ضمن دو مدرک لیسانس در زمینه‌های حقوق و فلسفه نیز دریافت کرده بود.



## اشغال فرانسه

با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه آزاد توسط آلمان نازی وی به فعالیت‌های مخفی مقاومت فرانسه پیوست.

## بازگشت به وطن

در سال ۱۹۴۶ دکتر شاپور بختیار به ایران بازگشت. در سال ۱۹۵۱ توسط وزیر وقت کار به عنوان مدیر اداره کار استان اصفهان انتخاب شد و بعدها به اداره کار در استان خوزستان (مرکز صنعت نفت ایران) ارتقا یافت.



### ملی شدن صنعت نفت و زندان

در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران، بختیار که عضو حزب ایران شده بود، به طرفداری از دکتر مصدق برخاست و در سال ۱۹۵۳ در دولت کوتاه دکتر محمد مصدق، بختیار معاون وزارت کار شد.

پس از بازگشت محمد رضا شاه پهلوی در پی کودتای ۲۸ مرداد، بختیار به منتقدان شاه پیوست و به همین علت چند بار به زندان افتاد.

بختیار در جبهه ملی دوم نیز فعال بود. در بهمن ۱۳۴۲ همراه با دیگر رهبران جبهه ملی به زندان افتاد.

### نامه به شاه

در دوران پهلوی شاهان، قانون اساسی مشروطیت و به خصوص اصولی از این قانون را که آزادیها و حق حاکمیت مردم در آنها تصریح شده بود را رعایت نمی کردند و به این علت در خرداد ۱۳۵۶ سه تن از سران جبهه ملی یعنی دکتر کریم سنجابی، داریوش فروهر و دکتر شاپور بختیار نامه ای به شاه نوشته و از او خواستند که برای نجات کشور به حکومت استبدادی پایان داده، به اصول مشروطیت تمکین کند.

### اوج گیری انقلاب و قبول نخست وزیری

در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوج گیری انقلاب در ایران، شاه دستور آزادی دکتر بختیار از زندان را صادر کرد و از وی در دیداری خصوصی در کاخ نیاوران تهران خواست که مقام نخست وزیری ایران را قبول کند. بختیار برای «آرام کردن اوضاع» و جلوگیری از اوج گرفتن انقلاب اسلامی مقام نخست وزیری را قبول کرد و خود را «مرغ طوفان» نامید.

دکتر بختیار با باور بر اینکه ایران با سقوط نظام سلطنتی به دست کمونیست‌ها و یا روحانیون اسلامی بیافتد علیرغم مخالفت جبهه ملی ایران این پست را قبول کرد و به همین علت از جبهه ملی که حال طرفدار سقوط سلطنت و پیروزی انقلاب شده بود کناره گیری کرد.



### آخرین تلاشها برای حفظ پادشاهی ایران

نهایتاً در گرماگرم تب انقلاب، دکتر بختيار به همراه وزرای دولتش از مجلس سنا رای اعتماد گرفت. در پی اوج گرفتن اعتراضات محمدرضا شاه به همراه فرح پهلوی با چشمانی گریان از کشور خارج شد. در آخرین لحظات خروج شاه از ایران دکتر بختيار به داخل هواپیمای شاه رفت و به وی اطمینان داد که تمام تلاش خود را برای حفظ «نظام پادشاهی ایران» به کار بندد.

### بازگشت خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی

با خروج شاه از ایران و اعلام بیطرفی ارتش، همه چیز به نفع انقلابیون تغییر کرد. روح‌الله خمینی بعد از ۱۳ سال تبعید در روز ۱۲ بهمن به ایران بازگشت و در همان جا دولت اپوزیسیون را اعلام کرد. نهایتاً پس از ۱۰ روز انقلابیون تمام مراکز و ادارات دولتی را به دست گرفتند و نهایتاً دکتر بختيار در اواسط فروردین سال ۱۳۵۸ به فرانسه گریخت.

### بنیانگذاری نهضت مقاومت ملی ایران در فرانسه و ترورهای پی در پی

بلافاصله پس از ورود به فرانسه، وی نهضت مقاومت ملی ایران را بنیان گذاشت و به مخالفت صریح با جمهوری اسلامی و آیت‌الله خمینی پرداخت.

در تابستان 1359 تیمی به رهبری انیس نقاش[1] اقدام به قتل وی می‌کنند که با هشیاری محافظان دکتر بختيار ناموفق بود. او از این سوء قصد جان سالم به در برد اما در این ماجرا یک پلیس و یکی از

همسایگان خانه دکتر بختیار به قتل رسیدند. امیرشاهی مدعی‌ست که این تیم از سوی مسئولان وقت جمهوری اسلامی برای قتل بختیار اعزام شده بودند.[2]

انیس نقاش توسط پلیس فرانسه دستگیر و به حبس ابد محکوم می‌شود اما پس از مدتی از طرف دولت فرانسه مورد عفو قرار می‌گیرد و به جمهوری اسلامی تحویل داده می‌شود.[3]

آخر بار در تاریخ پانزده مرداد ۱۳۷۰ برابر ۶ اوت ۱۹۹۱، دکتر شاپور بختیار و منشی وی سروش کتیبه را در خانه مسکونی اش در حومه پاریس به قتل می‌رساند. امیرشاهی مدعی‌ست قتل توسط گروهی سه‌نفره و از سوی مسئولین وقت جمهوری اسلامی به این کار مبادرت ورزیدند.[4]

با وجود محافظت شبانه روزی از خانه دکتر بختیار و با وجود ۱۳ محافظ مسلح، قاتلان بدون هیچ مشکلی از خانه وی خارج شده و متواری شدند. بعد از چند روز یکی از قاتل‌ها در سوئیس دستگیر شد و به فرانسه تحویل داده شد.[5]

## منابع

- بختیار، شاپور. یک‌رنگی. فرانسه. چاپ اول، پاریس. ترجمه: مهشید امیرشاهی. 1982.
- کیهان لندن - ویژه نامه قتل دکتر شاپور بختیار
- وبگاه نهضت مقاومت ملی ایران
- کتاب: Enquête sur l'assassinat de Chapour Bakhtiar به معنای «بررسی قتل شاپور بختیار» به قلم دو خبرنگار فرانسوی به اسم‌های «ژان ایو شاپرون» و «ژان نوئل فورنیه».
- غلامحسین مراقبی. تاریخ شنیداری ایران: گفتگو با دکتر شاپور بختیار. تهران. چاپ اول، تابستان 1382 ، ISBN:964-91649-6-0 .
- ویژه نامه پانزدهمین سالگرد قتل شادروان دکتر شاپور بختیار - صدای آمریکا

\* ویکی پدیا \_ دانشنامه آزاد

• در سایت بختیار بیشتر بخوانیم :

<http://www.shapourbakhtiar.com>

<http://www.mahnaaz.com>